

حال پخته

نگاهی به ارتباط مرگ، زندگی و معنا در مننوی ممنوی

سیده زهرا حسینی

www.ketab.ir

حسینی، سیده زهرا، ۱۳۶۵.

مثنوی، برگزیده، شرح.

حال پخته: نگاهی به ارتباط مرگ، زندگی و معنا در مثنوی مثنوی.

نویسنده: سیده زهرا حسینی.

تهران: دفتر علم، ۱۳۹۱، ۲۳۵ ص نمودار، جدول: ۱۴ * ۲۱ ص. م.

فلسفه و عرفان، ۱. ادبیات، ۱.

ISBN: 978-600-92086-9-2

..... شریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا

کتابنامه: ۲۲۵-۲۳۵؛ همچنین بصورت زیرنویس

۱. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. مثنوی - نقد و تفسیر

۲. شعر فارسی - قرن ۷ق. - تاریخ و نقد ۳. مرگ ۴. زندگی

۵. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. مثنوی، برگزیده، شرح.

۸۱۱/۳۱

PIR۵۳-۱/۴۷ ج ۱۳۹۱

۲۷۲۷۶۶۶

کتابخانه ملی ایران

نشر دفتر علم، ۸۱۱/۳۱



حالت نمونه؛ مجامعی به ارتباط مرکز، زندگی و مسائل شهری سنوی

نویسنده: سید وهره حسینی

موضوع: دفتر علم

نویسنده: چاپ: نخست (۱۳۹۱) شماره گان: ۳۰۰۰

چاپ: دفتر علم؛ مصاحبه: یاران

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

طراح جلد: حسین وحدتی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۰۸۶-۹-۲

مستند: ۱۸۵۳۵-۱۱۸

نشانی دفتر: تهران - خیابان حقیقت، بالاتر از چهارراه گلش، شماره ۹، طبقه دوم

شماره تماس: ۰۲۸۲۶۶۶۶۶ - ۰۹۱۹۲۰۵۷۹۹۲

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	گفتار نخست: درآمدی بر مرگ اندیشی و مسائل آن
۱۷	درآمد: اندیشیدن یا نیندیشیدن
۲۵	مرگ‌هراسی
۲۶	مرگ و معنای زندگی
۲۷	نظریات معنای زندگی
۲۸	۱- هدف یا غایت زندگی
۲۹	۲- ارزش زندگی
۳۵	گذری بر مطالب گفتارهای بعد
۳۵	گفتار دوم: مرغ مرگ‌اندیش و طوطی نقل شکر
۳۷	درآمد: مرگ‌اندیشان
۳۹	تقسیم امام محمد غزالی از افراد مرگ‌اندیش
۴۲	انواع مواجهه با مرگ در مثنوی
۴۳	واکنش نخست: انکار و غفلت
۴۴	واکنش دوم: هراس. مرغ و گریه

۴۶	واکنش سوم: مجرم، قاضی و تغییر ضمیر
۴۷	واکنش چهارم: مرگ خواهی
۴۹	واکنش پنجم: تسلیم
۵۱	آنچه گذشت
۵۳	گفتار سوم: مرگ خواهی و معنای زندگی
۵۵	درآمد: گریز از زیست
۵۷	انگیزه مرگ خواهی
۶۱	۱- جاودانگی و مرگ؛ ابدیت و بقا
۶۳	۱-۱- معنای اول جاودانگی
۶۶	۱-۲- معنای دوم و مواجهه با مرگ در ارتباط با آن
۶۸	بقا
۷۲	تفسیر مثنوی با تقسیم صدرالمتألهین از نشئه های وجود
۷۳	مواجهه با توجه به معنای دوم
۷۴	۲- عشق و مرگ؛ حیرانی زبان
۷۷	مواجهه با توجه به عشق و وصال
۷۸	بیان و لحن سخن
۸۰	۳- کمال و مرگ؛ سه روایت از یک شعر
۸۱	۳-۱- تکامل نوعی
۸۲	۳-۲- تکامل تکوینی
۸۵	۳-۳- تکامل عرفانی
۸۶	مواجهه با مرگ یا توجه به کمال

- ۸۸- ۴- اصل و مرگ: نیستان
- ۹۱- مواجهه با مرگ بر حسب باور به بازگشت به اصل
- ۹۲- ۵- معرفت و مرگ: انعکاسات نظر
- ۹۲- حقیقت‌جویی و مواجهه با مرگ
- ۹۳- ۶- رهایی و مرگ: قهرخانه خدا
- ۹۶- موت اختیاری
- ۹۷- آنچه گذشت
- ۱۰۱- گفتار چهارم: مرگ و سنای زندگی
- ۱۰۳- درآمد: از آمدن و رفتن ما سودی کو؟
- ۱۰۴- غایت زندگی در مثنوی
- ۱۰۸- هدف زندگی در ارتباط با مرگ
- ۱۱۵- آنچه گذشت
- ۱۱۷- گفتار پنجم: تجربه گونه‌های مرگ در زندگی
- ۱۱۹- درآمد: پختگی در مرگ
- ۱۲۰- نماد، تشبیه و گونه
- ۱۲۳- تجربه
- ۱۲۶- گونه‌های مرگ در زندگی
- ۱۲۷- ۱- تکامل انسان و مرگ
- ۱۲۹- تکامل و تجربه مرگ
- ۱۲۹- تعبیر فراموشی به جای ناآگاهی
- ۱۳۰- تجربه‌های نزدیک به مرگ

۱۳۲	۲- خلق مدام و مرگ
۱۳۷	۳- خواب و مرگ
۱۴۲	۴- موت اختیاری و مرگ
۱۴۴	موت اختیاری و تجربه
۱۵۰	وجه مشنرک گونه‌های مرگ
۱۵۲	آنچه گذشت
۱۵۵	گفتار ششم: مرگی مرگ و زندگی
۱۵۷	درآمد آینه
۱۶۰	معنای اول: مواجهه با مرگ متناسب با مرگ
۱۶۲	مبانی باور به تأثیر مرگ از زندگی
۱۶۴	معنای دوم: مواجهه انسان با مرگ در ارتباط با زندگی
۱۶۷	گونه‌هایی از تأثیر زندگی بر مرگ در ملتوی
۱۶۸	۱- تحلیل خودکشی
۱۷۰	۲- تلقین بیماری
۱۷۱	۳- زندگی عارفان و باورهای مربوط به آن
۱۷۳	نتایج باور به انعکاس زندگی در مرگ
۱۷۳	۱- مواجهه با مرگ براساس این باور
۱۷۵	۲- توصیه به مرگ اختیاری
۱۷۶	۳- تحمل دردها
۱۷۷	۴- انجام عمل نیک به قصد مرگ خوب
۱۷۸	آنچه گذشت

۱۸۱	گفتار هفتم: زندگی از دریچه مرگ
۱۸۳	درآمد: تمیز واقعیت و توهم
۱۸۴	مرگ در کتب اخلاقی
۱۸۸	مرگ در مثنوی به عنوان کتابی اخلاقی
۱۸۸	۱- وارثان: مفهوم هلاکت
۱۹۲	۱-۱- وارثان حقیقی
۱۹۲	۲-۱- تشبیهات، تشبیهات و استعارات
۱۹۲	۳-۱- در صفت
۱۹۵	۲- مرگ دیگران: سعادت
۱۹۷	۳- مرگ خود: مرگ به مثابه موقعیت مرزی
۲۰۰	الیناسیون
۲۰۲	نشان اتمیل در مثنوی
۲۰۶	خود پنداره و خویششن
۲۱۰	نمونه‌های دیگری از موقعیت مرزی در مثنوی
۲۱۰	بیماری
۲۱۱	ماجرای نصوص
۲۱۲	پایان
۲۱۶	نقش مرگ‌اندیشی در ارزش‌سنجی عملکرد افراد
۲۲۱	آنچه گذشت
۲۲۳	کتابنامه

پیشگفتار

در نیابد حال پخته هیچ خام

اگر بخوایم از سبب و ادب دیباچه نگاری به جای آوریم، باید این مقدمه را با سخنی چند درباره مولانا جلال‌الدین از سال ششصد و چهار هجری قمری تا سده ششصد و هفتاد و دو، از بلخ تا قونیه، از کرسی تدریس فقه تا شاگردی شمس زولجیده، از سجاده نشینی تا سماع، از ردا تا خرقة، از خامی تا سوختگی، از «زاهدی تا ترانه‌گوی»^۱ و ... آغاز کنیم: سخنانی که بسیار کسان، انگشت تحیر گران دربار او گفته‌اند، به ویژه آن زمان که آن «زاهد ترسان» به یکباره «عاشق پیران» شد^۲ و «سجاده‌نشینی باوقار» به یکسو نهاد و «بازیچه کودکان کوی» گشت.^۳ در این باره بارها گفته و نوشته‌اند و گمان نمی‌کنم جان شیفته‌ای به خواندن مثنوی روی آورد بی آنکه سرگذشت شیفتگی او را شنیده باشد. می‌خواهم زحمات ادب فرو نهم و به فرموده آن «پخته سوخته»^۴ درباره «احوالی»^۵ که در کش برای «خام»

۱. زاهد بوده ترانه‌گوی گردی / سر حلقه زده و ماله حویب کردی

۲. زاهد تا ترس می‌نارزد به پای عاشقان پیران / سر از برق و هوا

۳. سجاده نشین باوقاری مردم / بازیچه کودکان کریم کردی

۴. خام مده، پخته شده، سوخته‌ام / تا هنر عاشقی آموخته‌ام

۵. در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید دانستیم

توجه: عنوان کتاب، برگرفته از همین بیت است و گونه چشمی ده به این اقرار مولانا دارد که سبب نام پخته شده، سوخته! با این حال صرفاً یک مجربش لغوی نیست، بلکه بیشتر حاکی از یک نگاه منحصر به فرد در مثنوی است که در گفتار پنجم این نوشتار به آن خواهیم پرداخت. مولانا از یک سو چشیدن و تجربه شخص را راه معرفت واقعی می‌داند و سخن از این می‌گوید که این معرفت را کسی تنها از راه سماع و قول درخواهد یافت و از سوی

نوآموزی چون من دشوار است، «حرف و صوت و گفت را بر هم زنم»^۶ و «قافیه‌اندیشی»^۷ را کنار گذارم و چیزی نگویم. هرچند ادعایی نمی‌کنم در فهم «کتاب آن عالی‌جناب»^۸ هم کژ نرفته و «ره افسانه نزده»^۹ باشم که حتی «در خم یک کوچه»^{۱۰} هم نبوده‌ام. آنچه نوشته‌ام تنها به سبک درس و مدرسه بوده و تنها میخانه‌ای که گهگاه در مدت نگارش از آن سرمست می‌شدم، محضر دانشوران بزرگوارى چون آقایان دکتر فرامرزی قراملکی و دکتر حاجیان‌نژاد و خوشه‌چینی از «خان گسترده کرم»^{۱۱} و فضل آنهاست. گرچه در طریق شاگردی نیز چندان به صواب نبوده‌ام، اما دقایق درستان برایم «مراج حقایق»^{۱۲} بود. اگر خواننده عزیز هم حسنی در این اوراق ببیند از سایه این بزرگان است و کاستی‌های آن از من.

در آغاز کار دوستی پرسید: چرا سخن از مرگ؟! آن‌هم در مثنوی که سرشار از شور زندگی است. پاسخ من این بود که اتفاقاً چون سرشار از شور زندگی است می‌خواهم از مرگ بپرسم که چگونه می‌توان مرگ را دید و زندگی را شاد زیست؟ چگونه می‌توان سرشار از شور زندگی بود و غم پایان آن را نخورد؟ پرسش‌هایی را که بارها پرسیده‌اند. خلاصه با این نگاه وارد مثنوی شدم تا از مولانای پخته که راه معرفت را هم پختن و تجربه می‌داند و خرسند و بی اعتراض در پی «ساختن عالمی و آدمی از نو»^{۱۳} هم نیستم، بپرسم: «گر نیک آمد، شکستن از بهر چه بود؟»^{۱۴} و

دیگر، مرگ را در قالب گونه‌های دیگری قابل تجربه در زندگی می‌نگارد. بنابر این از مرگ را هم که مخفی‌ترین پدیده است قابل شناخت می‌داند و به نظرش در این باره نیز می‌توان به پختگی رسید. این نوشتار مطالعه‌ای از سخن یک پخته درباره مرگ و زندگی است. (نو: گفتار پنجم).

۱. حرف و صوت و گفت را بر هم زنم / تا که بی این هر سه با تو دم زنم.

۲. قافیه‌اندیشم و دلداز من / گویدم مندیج جز دیدار من.

۳. من نمی‌گویم که آن عالیجناب / هست پیغمبر ولی دارد کتاب (درباره مولانا از شیخ بهائی).

۴. جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر به / چون ندیدند حقیقت ره آسانه زدند (حافظ).

۵. هفت شهر عشق را عطار گشت / ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم.

۶. خان کرم گسترده‌ای همچون خویشم کرده‌ای / گوشم چرا مالی اگر من گوشه نان بشکنم؟

۷. چون به «مراج حقایق» رفته بود / بر بهارش غنچه‌ها ناکفته بود (ابیات آغازین دفتر چهارم درباره «حسام الدین»)

۸. آدمی در عالم خاک نمی‌آید به دست / عالمی از نو بیاید ساخت و ز نو آدمی (حافظ).

۹. دارنده چو ترکیب طبایع آراست / از بهر چه او نکندش اندر کم و کاست.

این چنین این نوشتار اختصاص یافت به ارتباط مرگ و زندگی در مثنوی معنوی. در گفتار نخست، گذری بر مسائل مهم مرگ‌اندیشی خواهیم داشت و سپس در گفتارهای بعد، این مسائل را در مثنوی مطالعه خواهیم نمود. سیر سخن از نگاه به مرگ (مرگ‌اندیشی) در زندگی (گفتار دوم) آغاز می‌شود و با گذری از ارتباط مرگ و مرگ‌اندیشی با معنای زندگی (گفتار سوم و چهارم) وارد ارتباط تنگاتنگ زندگی و مرگ در جهان خارج (گفتار پنجم و ششم) می‌شود. گفتار آخر (گفتار ششم) بر خلاف گفتار نخست به نگاه از زاویه مرگ به زندگی می‌پردازد و تأثیرهای مرگ‌اندیشی بر زندگی را بررسی می‌کند. هر گفتار با مسئله آغاز می‌شود و متن گفتار در پی حل آن مسئله است و در آخر نیز با یک جمع‌بندی به پایان می‌پذیرد. منابع استفاده شده در پایان آمده است.

به لحاظ روش تحقیق، این پژوهش محدود به استفاده از یک روش خاص نیست، بلکه با توجه به فصول و مطالب آن از رویکردهای تفسیری (به ویژه تفسیر مثنوی با مثنوی)، سماندگی مبتنی بر کل، تحلیلی (تحلیل مفهومی) و حتی اندکی تأویلی، استفاده می‌نماید. اما آنچه بیش از همه نمایان است، روی آورد سمانتیک مبتنی بر کل است. این پژوهش - که مبتنی بر مطالعه کل مثنوی بوده است - در سندها است تا علاوه بر توجه به کم و کیف واژگان مرتبط با مرگ (مترادف‌ها، استعارات، تشبیهات و ...) و شمارش آن‌ها، با مطالعه سایر آثار مولانا به ویژه دیوان کبیر و منابع مولانا نظیر قرآن کریم و تفاسیر آن و کتب امام محمد غزالی - که از تأثیرگذارترین افراد بر مولانا بوده است - تا حد امکان به مقصود مولانا پی ببرد. اما در برخی فصول دیگر روی آورد تحلیلی - منطقی بیشتر کاربرد دارد؛ مثلاً در فصل پنجم (تجربه مرگ) بیشتر از تحلیل مفهومی و

تحلیل مبانی معرفتی استفاده شده است. علاوه بر مطالعه منابع مرتبط با مثنوی، آثار آگزیستانسیالیست‌هایی نظیر سارتر، کامو، کی‌یرکگور، نیچه و ... نیز به‌ویژه برای طرح مسئله بسیار مفید بود و به درک مثنوی در پرتو مقایسه نیز بسیار مدد نمود.

امیدوارم توانسته باشم گامی کوچک در مسیر قرائت مثنوی برداشته باشم و آرزو دارم این اوراق برای خواننده عزیز بیهوده نباشد. پیشنهادات و انتقادات بزرگواران را به دیده منت می‌پذیرم و دوستان می‌توانند نظرات خود را به نشانی الکترونیکی زیر ارسال نمایند:

Zahra.hosseini@alumni.ut.ac.ir

در پایان از تمامی افرادی که در این مسیر همراهیم کردند، به‌ویژه پدر بزرگوار و فاضلم که بنده را برای بازنگری و چاپ این اوراق که صورت نخستین آن پایان‌نامه^{۱۵} بود، بسیار تشویق کرده است، سپاسگزاری می‌کنم و علاقه خود به مثنوی و به‌طور کل ادبیات را مدیون خاطرات خوش و فراموش نشدنی روزگاران کردگی هستم که در کنارشان غزلیات حافظ و مناظرات پروین می‌خواندم و از مثنوی‌خوانی‌های ایشان به وجد می‌آمدم این دفتر را بسی خردتر از آن می‌دانم که بخواهم تقدیم وی نمایم که حکایت آن اعرابی می‌شود که سبویی از آب باران را تقدیم خلیفه سیراب از دجله کرد!^{۱۶} همچنین از زحمات دست‌اندرکاران نشر دفتر علم متشکرم.

زهرا حسینی

دی ۱۳۹۰

۱۵. این پایان‌نامه با عنوان «معرفی مرگ و زندگی در مثنوی معنوی» به راهنمایی آقای دکتر احمد غلام‌رضا قزاقی (استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی) و به مشاوره آقای دکتر علیرضا حاجیان نژاد (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی) در بهمن ۱۳۸۹، در گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران دفاع شد.

۱۶. مثنوی، دفتر اول، از بیت ۲۱۴۴ به بعد.